

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

یکشنبه ۰۵ دسامبر ۲۰۲۱

فریده نوری

رجعت به یادداشت های پراکنده -

قسمت اول

یکی از آرزو های مرجان، جمع آوری ضرب المثل ها، اصطلاحات محلی و وطنی کابل و ولایات، چیستان ها و فکاهی های کشور عزیزش بود که متأسفانه مانند دیگر آرزو ها ایکه برای وطن عزیزش داشت، همه ناتمام ماند.

بار دیگر صد دل را یک دل کرده و جرأت رو برو شدن به نبشته هایش را به خود دادم، تا این که چیزی را که جمع آوری کرده به اندازه توانم، ولو مکمل هم نباشد، سلسله وار به دسترس هموطنانش قرار دهم، و اگر قضا و قدر یاری نمود رساله از آن ترتیب خواهم نمود.

البته می دانم که اکثریت نسل های چهل سال قبل به همه این ها بلدیت دارند، لکن شاید برای نسل های که از کشور شان به دور بزرگ شده اند، دلچسپ و حایز اهمیت واقع گردد.

فریده نوری

در خموشی های من فریاد هاست

آنکه دریابد چه می گویم کجاست؟



وفای اشک را نازم که در شب های تنهایی
گشاید بغض هائی را که پنهان در گلو دارم

ضرب المثل ها

گردآورنده: مرجان کمال

حرف الف

- آشپز که دو تا شد، آتش یا شور میشود یا بی نمک .
- - آلو از آلو رنگ میگیرد، همسایه از همسایه پند .
- - آب از سر چشمه بسته می شود.
- - آب به سوی آبریز خود می رود.
- - آب دم خانه گل آلود است ، دختر همسایه خلموک است. (هر چیزیکه به دسترس است بهایش کم است)
- - آنقدر سمن است که یاسمن پیدا نیست. (آنقدر گپ زیاد است که اصل موضوع گم شده است)
- - آب به آب رو خود کج نمی رود .
- - آب را با پنجه های خود می خورد .
- - آب که از سر گذشت چه یک نیزه، چه صد نیزه. (مشکل کم باشد یا زیاد در هر حال مشکل است)
- - آب تا گلو، بچه زیر پای. (هرکس در موقع بد به فکر خود است)
- - آب از آب تکان نمی خورد.
- - آب پاک روی دستش ریخت.
- - آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم، یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.
- - آب را گل آلود می کند تا ماهی بگیرد.
- - آب را نادیده، موزه را از پا می کشد.
- - آتش که در گرفت خشک و تر با هم می سوزد.
- - آخر شوخی جنگ است.
- - آدم پول را پیدا می کند نه پول آدم را.

- - آدم خوش معامله، شریک مال مردم.
- - آدم دروغگو کم حافظه است.
- - آدم گدا، این همه ادا.
- - آدم گرسنه، نان خواب می بیند.
- - آرزومند پیوسته نیازمند است.
- - آفتاب به دو انگشت پنهان نمی شود.
- - آزموده را آزمودن خطاست.
- - آستین نو، بخور پلو.
- - آسوده کسیست که خر ندارد، از گاه و جو اش خبر ندارد.
- - آش نخورده، دهن سوخته.
- - آدمم ثواب کنم، کباب شدم.
- - آنچه دلم خواست، آن نشد، آنچه خدا خواست همان شد.
- - آب می رود ولی ریگ می ماند. (ماندگاری و زود گذری)
- - آب را ندیده، موزه را از پا کشیدن خطاست.
- - آب زیر گاه. (ظاهر نرم، باطن زشت)
- - آب ناخواسته مراد است.
- - ادب مرد به ز دولت اوست.
- - از آتش خاکستر به دست می آید.
- - از کسی نترس که های و هوی دارد، از کسی بترس که سر به توی دارد.
- - از بی کفنی زنده است.
- - از تو حرکت از خدا برکت.
- - از خیراتش خیر ندیدم، از دودش کور شدم. (نخوردم از آتش، کور شدم از دود اش)
- - از حق تا ناحق چهار انگشت فاصله است.
- - از خرس موی کندن هم غنیمت است.
- - از تو گذشت، خدا به فرزندان عقل بدهد.
- - از تشنگی بمیر ولی آبرو مریز.

- - آبی که آبرو ببرد، در گلو مریز.
- - از کاه، کوه نساز.
- - از کیسه خلیفه می بخشد.
- - از ماست که بر ماست.
- - از سه چیز باید حذر کرد، دیوار شکسته، سگ درنده و شخص شلیته.
- - آسیا اگر از پدر است، هم به نوبت است. (آسیای بابه هم به نوبت است)
- - آتش مردها، دیر پخته می شود. (در کار مرد عجله در کار نیست)
- - از گرسنه پرسیدند دو جمع دو چند می شود، گفت چهار دانه نان. (اندیشیدن بر اساس نیازمندی)

- - از عمه خشو پرهیز، از خاله خشو بگریز.
- - از یک شاخه به شاخه دیگر رفتن. (ثبات نداشتن)
- - از بیرون بلا بودن، بهتر است در بین بلا بودن.
- - از هزار خویش یک همسایه پیش.
- - از ناعلاجی به پشک میگوی بی بی حاجی.
- - اگر بکنی کنده نمی شود و اگر بپزی بریده نمی شود. (پیوند محکم)
- - انگور خودش، خود را در تاک شریں می کند. (ایجاد صمیمیت و محبت)
- - از یک دست صدا نمی برآید.
- - آنرا که حسابش پاک است، از محاسبه چه باک است. (آدم صادق و درستکار بی هراس است)

- - از صد پلو ، يك الو .
- - از گرسنگی آسیابانی میکند ، از کلان کاری مزد نمیگیرد.
- - از مردی تا نامردی یک قدم فاصله است. (تا سر ندهم، پا نکشم از سر کویت نامردی و مردی قدمی فاصله دارد)

- - از زمستان بوی سردی می آید (از حرف بد جز تنفر چیزی حاصل نیست)
- - از زیر چکک برخاست، زیر ناودان نشست.
- - آدم نیک معامله، شریک مال مردم است.

- - آدم حسود به مقصد نمی رسد.
- - آدم زنده، گور کنده. (پیش بینی داشتن)
- - از خود گویم به کی گویم.
- - از نو کیسه قرض نکن ، قرض میکنی خرج نکن .
- - از زن شلیته و از دیوار شکسته بترس .
- - از سگ استخوان قرض دار است.
- - آدم بیکار یا غر شود یا بیمار.
- - آفتابه خرچ و لیجم.
- - آقا را دیدی، لالا را دیدی. (شباهت در رفتار)
- - از شهر بیرون شوید، از نرخ نی. (رعایت معیار ها)
- - از در برانی از بام می آیم، هر صبح برانی هر شام می آیم.
- - از این نم، به ما کلاه ساخته نمی شود. (از امتیاز برخوردار نشدن)
- - از هزار خویش ، يك همسایه پیش .
- - از گاو غدودی به ما میرسد .
- - از کیسه خلیفه میبخشد .
- - آدم سیل بین عقل چهل وزیر را دارد.
- - اگر بیل می زنی، باغچه خود را بیل بزنی.
- - اگر شیشه انتقال می دهی، با سنگ جنگ مکن.
- - از آسمان هفتم گز می کند (کلان کار بودن)
- - از خود ماندی، از جهان ماندی. (اتکا بر خود کردن)
- - از سودای نقد، بوی مشک می آید (داد و ستد بدون تأخیر در پرداخت)
- - از یک دست صدا بر نمی آید.
- - اگر نخوردیم نان گندم ، دیدیم به دست مردم .
- - اگر دیدی بازی، و اگر ندیدی دزدی.
- - اگر صد سال از گوشت نخوردن بمیرم ، زاغ را نمی خورم .
- - اگر گاو سیاه است، شیرش سفید است .

- اگر به آب سیر شود، نان نمی خورد.
- - اگر حسود نباشد دنیا گل و گلزار است.
- - اگر دعوت گرگ را قبول کردی، سگ را هم با خود ببر.
- - اگر دعای شاگردان اثر می داشت، یک معلم هم زنده نمی ماند.
- - اگر دنیا را آب بگیرد، مرغابی را تا بند پایش است. (بی پروا و بی مسئولیت بودن)
- - افتادی بلی، افکار شدی نخیر. (پنهان نمودن واقعیت)
- - اول بچش، بعد بگو بی نمک است.
- - اول اندیشه، بعد گفتار.
- - اول برادر بودن را ثابت کن، بعد ادعای میراث کن.
- - اول چاه را بکن، بعد منار را دزدی کن.
- - انگور خوب دانه دانه می شود ، زن خوب بیوه می شود.
- - انگور خوب خوراک شغال است.
- - آن چیزی که تو خواندی ، من از بر دارم.
- - آنچه به خود نمی پسندی، به دیگران روا مدار.
- - اول خانه را پر ارزن کن، بعد فکر زن کن.
- - آنچه دلم خواست آن نشد، آنچه خدا خواست همان شد.
- - آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

گویند کسان بهشت با حور خوش است

من میگویم که آب انگور خوش است

این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار

کاواز دهل شنیدن از دور خوش است

ادامه دارد...